بیانات در دیدار استادان دانشگاههای استان خراسان در دانشگاه فردوسی مشهد - 25 /اردیبهشت/ 1386

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

این جلسه، به جهات متعددی یکی از شیرین ترین و جذاب ترین جلسات برای بنده است. اولاً به جهت حضور مجموعه ی عالمان و دانشمندان این شهر و استانی که از دیرباز به علم پروری و عالم پروری و محقق پروری معروف بوده است ؛ ثانیاً به خاطر سوابق خاطره انگیزی که بنده با این مجموعه ی دانشگاهی دارم - با بعضی از عزیزانی که در این جلسه حضور دارند، دوستی ها و رفاقتهای نزدیك و همکاری های بسیار صمیمانه ؛ با آقای دکتر فرهودی هم زندانی ؛ و با مجموعه هایی از جمع علمی این دانشگاه، جلسات فراوان و دیدارهای پرهیجان در دوران های دشوار داشته ایم - برای من خاطره های زیادی را زنده می کند ؛ ثالثاً از این جهت که مشاهده می کنم جوانان ما در عرصه ی علم پیشرفت هایی کرده اند که امروز دانشگاه ما به برکت استادیِ آن جوانان، می تواند پرچم افتخار را بر دوش بگیرد. خیلی از دانشجویان و جوانانی که در آن دوران اختناق و تاریکی و فشار، در لابلای مشکلات فراوان درس می خواندند، امروز بحمداللّه جزو اساتید، جزو پرچمداران علم، جزو نوآوران عرصه ی علم محسوب می شوند ؛ بعضی شان در همین جمع شما هستند، بعضی شان هم در تهران و جاهای دیگر هستند. این هم بخش دیگری است که برای من این اجتماع را گرامی و عزیز می کند.

بیاناتی که فرمودند، به نظرم بیانات مفید و باارزشی بود. چند جمله درباره ی بیانات این دوستان عرض بکنم. در باب بودجه ی تحقیقات، حق با شماست. آنچه که ما در زمینه ی بودجه ی تحقیقات نیاز داریم، با آنچه که امروز بودجه ی تحقیقات ما در مجموعه ی بودجه ی کشور است، فاصله ی زیادی دارد. من هم سفارش کرده ام، تأکید کرده ام و غیر از جلسات عمومی، در دیدارهای خصوصی هم به مسئولین گفته ام که باید این را دنبال کنند ؛ آقای دکتر زاهدی - وزیر محترم - اینجا هستند ؛ حتماً این را در دولت دنبال کنند و به یك جایی برسانند. امروز مسأله ی تحقیقات برای ما یك مسأله ی تجملاتی نیست، یك مسأله ی حیاتی است. من نمی دانم همه ی تصمیم گیران چقدر به عمق این حرف واقفند، اما من از بُن دندان اعتقادم این است که امروز یکی از دو، سه کار اصلی و اساسی ما برای حفظ هویتمان، موجودیتمان، استقلالمان و آینده مان، مسأله ی تحقیق علمی است ؛ بدون شك و تردید. باید این را خیلی جدی بگیرند ؛ این از بسیاری از کارهای ما مهمتر است ؛ ولو ظاهر زودبازده ای ندارد و به چشم نمی آید، اما خیلی مهم است.

در زمینه ی مسأله ی اسلامی کردن دانشگاه ها اعتقاد من این است که هرچه ما در این زمینه کار بکنیم، زیاد نیست. آن چیزی که من در مورد دانشگاه ها و اسلامی کردن دانشگاه ها یك وقتی عرض کردم، این است که توقع ما از دانشگاه کشور و مرکز علم کشور این است که اگر یك جوان کم اعتقادِ لاابالی وارد دانشگاه شد، در حالی از دانشگاه بیرون بیاید که عمیقاً متدین و دارای تعهد دینی و اخلاق دینی است ؛ توقع ما از دانشگاه این است ؛ مثل حوزه ی علمیه. حالا اگر بنیان دانشگاه را از اول در کشور ما کسانی گذاشتند و جوری گذاشتند که گوئی باید دانشگاه غیر دینی یا حتی ضد دینی باشد، این مطلب دیگری است ؛ اما واقع قضیه این نیست. علم همراه است با دین ؛ هر کسی صادقانه با دانش برخورد کند، ایمان دینی در او رشد پیدا می کند ؛ همچنانی که دانش، همدوش است با فضائل اخلاقی و با احساس تعهد ؛ این طبیعتِ دانشگاه است. البته ما تصدیق می کنیم - همان طوری که فرمودند - که اینگونه نشده.

اما حقیقت قضیه این است که امروز چهره ی دانشگاه ما، یك چهره ی اسلامی و دینی است. در چه دورانی ما این

همه اساتید مؤمن، متعهد، علاقه مند، میهن پرست، دین پرست، خداپرست و صادق در دانشگاه هایمان داشته ایم؟ اصلاً این همه استاد در دانشگاه داشته ایم؟ آن هم اساتیدی با این احساس تعهد. در کدام دوره از دوره های دانشگاه کشور - در این شصت، هفتاد سال - در بین دانشجویان، این همه دانشجوی متعهد و علاقه مند به دین و پایبند به مبانی اخلاقی و ایمانیِ دین داشته ایم؟ در همین زمینه هم ما پیش رفتیم. البته بدیهی است با آن بیانی که قبلاً عرض کردم، ما به این قانع نیستیم ؛ اما از آنچه که پیش آمده هم خدا را شاکریم و کفران نعمت نمی کنیم.

مسأله ی نیاز تولید علم به گسترش تحقیق و تقابل و تنافی آن با انحصارات دولتی و حقوق انحصاری شرکتها، حرف کاملاً درستی است که آن را قبول داریم و امید ما این است که با اجرای سیاستهای اصل 44 - که سال گذشته ابلاغ شد - این گره باز بشود. اساساً ورود در میدان تفسیر اصل 44 و توجه به ذیل اصل 44 و اهتمامی که در این زمینه شد و خود بنده وارد این میدان شدم، به خاطر چند نکته و از جمله همین نکته بود. البته این نگرانی هم که دوست قدیمی مان بیان کردند که اجرای غلط اصل 44 ممکن است به تکاثر و از قبیل آن بینجامد هم درست است. اگر آن چیزی که ما گفتیم و ما خواستیم و ما دنبال می کنیم اجرا بشود، ان شاءالله نه آن افراط و نه آن تفریط اتفاق نخواهد افتاد. باید همان گونه که مقرر شده و گفته شده است انجام بگیرد و ان شاءالله به لطف الهی اینگونه خواهد شد. البته تذکراتی هم فرمودند که من یادداشت کردم و ان شاءالله آنها را دنبال می کنم.

بعد از دیدار با شما، دیداری با دانشجوها خواهم داشت و مفصلتر صحبت خواهم کرد. غرض من از این جلسه بیشتر این بود که حرفهای اساتید را بشنوم، ولی آنچه که من در این جلسه به اختصار می خواهم عرض بکنم، چند مسأله ی کوتاه و مهم است.

یك مسأله این است که امروز، موضوع علم برای کشور ما یك موضوع حیاتی است ؛ و علم هم به میزان زیادی به شما مجموعه ی دانشگاهی متکی است. امروز دانشگاه باید احساس بکند که کشور در یك نقطه ی عطفی قرار گرفته است که با دو گونه حرکتِ دانشگاه، دو مسیر متباین و متعارض از این نقطه ی عطف بوجود خواهد آمد ؛ اگر یك طور عمل کنیم به یك سمت خواهیم رفت، اگر به گونه ی دیگری عمل کنیم، به سمت دیگر و نقطه ی مقابل آن خواهیم رفت ؛ پس در یك چنین لحظه ی حساسی قرار داریم. امروز مناسبات بین المللی روی قدرت می چرخد. می بینید دیگر، قدرتها به اتکاء و استناد قدرتمندی خودشان، زور می گویند و بی منطق و بی استدلال حرف می زنند. جُرم خیلی از دولتهای متوسط و دست پائین هم این است که زورگوئی آنها را به راحتی قبول می کنند ؛ لذا زورگوئی بر اساس قدرت، امر رائجی شده است. در همین قضیه ی هسته ای، در مسأله ی خاورمیانه، در قضایای گوناگون سیاسی و در مسائل گوناگونی که داریم، وقتی با دولتها صحبت می شود، می گویند: چکار کنیم، امریکا می گوید! یعنی این یك حجت قاطع است که چون امریکا دارای قدرت و زور است، دیگر چاره ای نیست. این قدرت - که امروز محور همه ی تحرکات بین المللی شده - متوقف است به علم ؛ و لذا ثروت امریکا هم ناشی از علم است، توانائیهای تبلیغاتی اش هم ناشی از علم است، موقعیت بین المللیِ سیاسی اش هم ناشی از علم است. علم است که یك کشور را به یك اقتداری می رساند ؛ علم، این قدر برای کشورها مهم است.

روشن است که ما یك راه طی شده ی دویست ساله ی دیگران را در ظرف بیست سال نمی خواهیم طی کنیم. مدعا این نیست که ما در ظرف ده سال، پانزده سال، خودمان را به سطح علمی کشوری که دویست سال است دارد تلاش علمی می کند و از محصول دویست سال قبل از آن بقیه ی کشورها هم استفاده کرده است، برسانیم. این مورد نظر نیست ؛ بلکه مدعا این است که نباید وقت را تلف بکنیم. اگر ایران باید آینده ای داشته باشد و اگر این ملت باید همین راه استقلال و عزت و عدم وابستگی را که در آن وارد شده ادامه بدهد، این امکان ندارد مگر با عالم شدن این ملت. باید عالم بشوند و علم در این کشور ترقی پیدا کند. علمِ وارداتی، علم - به معنای حقیقی کلمه - نیست ؛ علمِ

درون زا است که اقتدار می بخشد. این که من مسأله ی تولید علم و شکستن مرزهای علم را مطرح کردم، به خاطر این است و باید آن را جدی بگیرید. حوزه ها سهمی دارند در بخشی، دانشگاه ها هم سهم عمده ای دارند در بخش دیگری. امروز اساتید و مدیران دانشگاه باید اینگونه به دانشگاه نگاه کنند.

هرگونه تدریسی که در یك کلاس، ناشی از بی حوصلگی، ناشی از کم وقتی، ناشی از بی اهتمامی و بی اعتنایی به درس، بی اعتنایی به دانشجو، بی اعتنایی به وقت و ساعت انجام بگیرد، مناسب شأن دانشگاه امروز کشور ما نیست. من تأیید می کنم که ما بایستی اساتید استخوان دار و قدیمیِ قوی و باارزش را با اصرار در دانشگاه حفظ کنیم - که دوستان اشاره کردند - در کنار این مؤکداً عرض می کنم که بایستی از اساتید جوان و پرانگیزه هم استفاده بشود و وارد بشوند. ما نباید در هیچ بخشی دچار کمبود استاد و خلاء استاد باشیم. امروز راه هم برای این باز است. خوشبختانه دانشجوهایی که دوره های تکمیلی را می گذرانند، رتبه های خوبی دارند، رتبه های بالایی دارند و استعدادهای خوبی دارند، می توانند در تدریس دانشگاه ها نقش ایفا کنند. بخشنامه ها و دستورالعمل های قدیمی، آیه ی قرآن نیست که نشود آن را عوض کرد. به موقعیت ها نگاه کنید و دانشگاه را از لحاظ تدریس به یك میدان پرتحرك تبدیل کنید ؛ با تعامل دانشجو با استاد، تحرك استاد، مطالعه ی استاد، دسترسی استاد به مراکز علمی و اطلاعات علمی و نشریات علمی - که امروز خوشبختانه با رواج اینترنت و چیزهای دیگر، خیلی از گذشته آسانتر شده - دانشگاه را به یك مجلس عمومیِ دائماً در حال مباحثه و در حال کار تبدیل کنید ؛ دانشجو را رشد بدهید و تربیت کنید. این یك نکته است.

نکته ی دیگر این است که درباره ی بحث تولید علم و مسأله ی جنبش نرم افزاری - که ما مطرح کردیم - مراکز تحقیقی جواب دادند، دانشگاه ها هم در سطوح محققین و اساتید جواب دادند و از این جهت بنده حقیقتاً خشنودم ؛ منتها در سطح دانشجویان و جوانان این معنا جدی گرفته نشده و تحقق پیدا نکرده ؛ در حالی که از استعداد جوان و نیروی جوان، خیلی باید استفاده کرد. این کار، کار اساتید است. بخصوص دانشجویان دوره های تکمیلی، اگر بوسیله ی استاد راهنمایی بشوند، می توانند حقیقتاً در نوآوری علمی، همان اساتید خودشان را در مواردی پشت سر بگذارند. گاهی استاد، شاگردی را راهنمایی می کند و دست گیری علمی می کند و آن شاگرد با دست گیریِ استاد، از خود استاد جلوتر می رود ؛ از این قبیل موارد زیاد اتفاق افتاده است. این را بایستی تحقق بخشید.

نکته ی دیگر این است که ظاهراً از اول - من خودم چون دانشگاهی نبوده ام و در محیط دانشگاه رشد نکرده ام، خیلی نمی توانم در این زمینه اظهارنظر کنم ؛ اما همیشه از دوستان دانشگاهی شنیده ام - بنای دانشگاه، برخلاف حوزه های علمیه، بر تعمق در درس و ترجیح عمق یابی بر حفظ، نبوده است ؛ این عیب است. در حوزه های علمیه، برای طلبه ی درسخوان - نه آن کسی که درس نمی خواند - محفوظات مطرح نیست، بلکه مطلب را بایستی بفهمد ؛ از یك سطحی به آن طرف باید علاوه ی بر فهم، در این مسأله صاحب نظر هم بشود. دوره های دکتریِ شما هم برای همین است ؛ تا صاحب نظر بشوند. این حالت رشد روحیه ی پرسشگری و تقویت تحقیق و پیگیری و پیوسته خواهی و قانع نشدن و اینها را باید در دانشجو تربیت کرد. در درسهای ماها و در حوزه های علمیه، گاهی در یك درس، پانصد یا هزار نفر مستمع و شاگرد نشسته اند، یك نفر از شاگردها وقت استاد و وقت دیگران را با اشکال می گیرد و به استاد اشکال می کند ؛ مطلقاً در عرف چنین مجلسی وجود ندارد که استاد ناراحت بشود که چرا اشکال کردی، یا آن دانشجوهای دیگر ناراحت بشوند که آقا وقت ما گرفته شد. نه، در عرف حوزه ای ما اینگونه است ؛ اشکال کردن، حقِ طلبه و حق یکایك طلبه هاست و آنها از این حق استفاده می کنند و استاد هم مطلقاً گله مند نیست ؛ بلکه خوشحال است از اینکه مستشکلینی در درس هستند ؛ یکی از افتخارات اساتید این است که در درس ما مستشکلین متعددی هستند. این باید در دانشگاه رواج پیدا کند ؛ یعنی باید اشکال کردن به استاد، پرسشگری و تحقیق، رواج پیدا کند ؛ و این دست شماست.

يك مسأله، مسأله ی نقشه ی حرکت علمی کشور است که من این را در سال گذشته مطرح کردم. البته توقع نمی کنم که این کار را دانشگاه فردوسی انجام بدهد، اما توقع می کنم که دانشگاه استخوان دار ریشه دار فردوسی در این کار سهیم بشود ؛ روی این فکر کنید. ما برای پیشرفت علم در کشور، به نقشه ی کلی علمی احتیاج داریم. درباره ی چه چیزی می خواهیم تحقیق کنیم؟ چه چیزی را می خواهیم فرابگیریم؟ چگونه این اجزاء علمی پراکنده، به هم متصل می شوند؟ در کجا از اتصال اینها، می شود برای آینده ی کشور و حرکت کشور بهره برد؟ اینها جز با يك نقشه ی علمی، برای کشور امکانپذیر نیست. البته نقشه ی علمی، نقشه ی دائمی نیست ؛ مدت دار و زمان دار است. ممکن است در این برهه نقشه ی علمی يك چیز باشد، ده سال دیگر نقشه ی علمی بکلی تغییر کند و چیز دیگری باشد ؛ لیکن این نقشه ی علمی لازم است. در این زمینه انتظار دارم دانشگاه شما - چه دانشگاه پزشکی، چه دانشگاه فردوسی - کمك کنند تا این کار در بین اساتید و در بین محققین و در بین دانشمندان و علمای دانشگاهی ما، تبدیل به يك مطالبه ی عمومی بشود. این هم يك مسأله است.

يك مسأله هم در مورد رشد دادن به دانشجوها - که اشاره کردم - کارهایی است که به عهده ی اساتید و به عهده ی مدیریت هاست ؛ اینجا مخاطب فقط اساتید نیستند ؛ مدیریت ها هم هستند. این کارها را واقعاً در برنامه بگذارید: مثل کارگاه های آموزشی ؛ مثل اردوهای علمی ؛ مثل جایزه به نوآوری ها ؛ مثل مطالبه ی دستگاه صنعت از محقق جوانی که در دانشگاه دارد يك کاری را انجام می دهد، یعنی ارتباط دانشگاه و صنعت که این هم جزو شعارهای حتمی و قطعی ای بوده است که بنده از سه، چهار سال قبل از این مطرح کردم. خوشبختانه در این دولت، معاونت مخصوصی به نام «معاونت علمی» برای کارهای علمی بوجود آمد که این جزو برکات این دولت است و اتفاقاً یکی از همشهریان خود شما در این معاونت مشغول کار است. به نظر من این معاونت، معاونت مبارکی است و کارهای بسیار مهم و خوبی را می تواند انجام بدهد. با کمك این معاونت، آقایان دو وزیر - هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی، هم در دولت - مطالبه کنند، تا مدیران بتوانند وسائل را برای این معنا فراهم بکنند.

من بیش از این مزاحم دوستان و برادران و خواهران عزیز نمی شوم و می رویم که به جلسه ی بعد برسیم. آن توصیه ی اول را می خواهم بار دیگر تکرار بکنم: امروز نقش و رسالت دانشگاه، يك نقش تعیین کننده است ؛ ولو تعیین کننده ی برای زمان حال نه، اما تعیین کننده ی برای آینده ی کشور است. امروز تصمیم دانشگاهیان و همت دانشگاهیان، مثل نقش سوزن بانی است که دو مسیر ریلی را بکلی از هم جدا می کند. شما الان سوزن بانید ؛ می توانید با همتی که در این برهه ی از زمان می کنید، ریل حرکت ملت ایران را به سمت رفاه و عزت و ترقی و استقلال کامل قرار بدهید ؛ و می توانید خدای نکرده با عدم تحرك لازم و با عدم اجابت به نیاز امروز، جور دیگری عمل کنید و نتیجه ی دیگری حاصل بشود.

پروردگارا ! ما را به وظائف سنگین مان در این روزگار بیش از پیش آشنا بفرما. پروردگارا ! محیط علمی و محیطهای دانشگاهی کشور ما را مشمول لطف و فضل و هدایت ویژه ی خود قرار بده. پروردگارا ! همه ی کسانی که در این راه زحمت می کشند و تلاش می کنند، از اجر و پاداش خود برخوردار فرما.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته